

هروه رنار و گربه شرو دینگر

هومن جعفری
روزنامه‌نگار

هروه رنار به ایران می‌آید؟ این سؤالی است که همه از خود می‌پرسیم. گویا رنار در صدر فهرست نامزدهای مربیگری تیم ملی است و قرار شده تا جذب شود. این موضوع چقدر صحت دارد؟ معلوم نیست. عملی شدنی هست؟ معلوم نیست؟ عربستان حاضر است تا او را رها کند؟ معلوم نیست؟

اسم رنار فعلاً از محافل غیررسمی بیرون آمده تا مدتی بازار را گرم کند؟ هدف؟ معلوم نیست! قرار گذاشته‌اند که قیمت را برای گزینه داخلی کاهش بدهند؟ یا دارند به بقیه مربیان خارجی تحت مذاکره مؤدبانه نشان می‌دهند که زیادی نان نکند چون رنار را هم داریم؟ معلوم نیست.

وقتی پای تاج در میان باشد هیچ چیز معلوم نیست. هیچ چیز هیچ چیز و هیچ چیز پس همزمان هم می‌توانیم رنار را باور کنیم یا هم نه! آدم یاد تئوری «گربه شرو دینگر» می‌افتد که یکی از معروفترین آزمایشات دنیای فیزیک است.

«فرض کنید گربه‌ای در جعبه‌ای در بسته زندانی است. در این جعبه یک شیشه گاز سیانور، یک چکش، یک حسگر پرتو و یک منبع پرتوزا نیز وجود دارد. ذرات پرتوزا به صورت نامنظم تابش می‌کنند و به همین دلیل برای آنها نیمه عمر در نظر می‌گیرند. حال فرض کنید حسگر و چکش طوری تنظیم شده باشند که در صورت تابش موج پرتوزا بین ساعت ۱۲ و ۱۳:۰۱، چکش شیشه حاوی گاز را شکسته و گربه بمیرد. اگر در ساعت ۱۳:۰۱ در جعبه را باز کنید چه خواهید دید؟ اگر از طریق فرمول نیمه عمر منبع، احتمال تابش بین ساعت ۱۲ و ۱۳:۰۱ را ۵۰٪ پیش‌بینی کنید. گربه داخل جعبه در هنگام برداشتن در جعبه ۵۰٪ مرده و ۵۰٪ زنده است. اما وقتی در جعبه را برمی‌دارید خواهید دید که گربه یا مرده یا زنده است. نمی‌توان گفت ۵۰٪ سلول‌های بدن گربه مرده‌اند و ۵۰٪ آنها زنده‌اند. در فاصله یک لحظه، احتمال به‌یقین تبدیل خواهد شد.»

می‌بینید؟ کاری که تاج با اسم‌ها می‌کند، «اروین شرو دینگر» در ۱۹۳۵ در آزمایشگاهش انجام داده بود!

این کت سفید برای کیست؟

ایمان گودرزی
روزنامه‌نگار

اینکه جدایی مربی پرتغالی نیز تأثیری در تسریع این روند نداشته، دلیل دقیق این تعلل مشخص نیست اما شواهد نشان‌دهنده این است که تاج و دوستان بر سر دو راهی ایرانی یا خارجی بودن سرمربی آینده حسابی گیر کرده‌اند.

وقتی کی‌روش کت عنابی را بر تن کرد، تمام مصاحبه‌ها گواه این را می‌داد که مرغ فدراسیون برای انتخاب مربی ایرانی یک پا دارد و دیگر خبری از

سرمربی خارجی روی نیمکت تیم ملی نخواهد بود. این جمله خیلی ساده اما در پشت صحنه دنیایی از ابهامات را داشت. اول از همه خوب کدام سرمربی داخلی؟ سرمربیان حاضر در لیگ برتر یا سرمربی داخلی بدون تیم؟ یا رد شدن گزینه جواد نکونام تنها گزینه فدراسیون امیر قلعه‌نویی است که از تمام سرمربیان داخلی به نیمکت نزدیک‌تر است.

اما باید دید در صورت انتخاب او شرایط همکاری با ژنرال فوتبال ایران که هدایت گل‌گهر را در دست دارد، چگونه خواهد بود. در همین حال که سرمربی تیم ملی مشخص نشده فدراسیون فوتبال دو بازی دوستانه با عراق و روسیه برای فیفادی پیش رو تدارک دیده.

درست بعد از نهایی شدن بازی‌های تدارکاتی اما بار دیگر فدراسیون با

پیش کشیدن اسم مربی خارجی بار دیگر نشان داد که هنوز هم تکلیف خودشان را نمی‌دانند. در همین بین نامی از رنار آورده شد که با وجود قرارداد با عربستانی‌ها کمی ناشایسته به نظر می‌رسد. نمی‌توانیم قول دهیم که این آخرین پرونده ایران ورزشی برای انتخاب سرمربی تیم ملی باشد اما می‌توان قول داد که یک روزی ما هم سرمربی‌دار خواهیم شد.

وقتی هیچ گزینه‌ای وجود ندارد

فوتبال فقیر در تنگنا



سعید زاهدیان
روزنامه‌نگار

نیمکت‌های فوتبال ایران از چه قرار است؛ خارج از لیگ برتر که گزینه جذابی دیده نمی‌شود. مهمترین چهره مجید جلالی است که در ۲۰ دوره اخیر لیگ برتر هیچ‌گاه به قهرمانی مهمی نرسیده و دو سال خانه‌نشینی را پشت سر می‌گذارد و حتی در لیگ برتر به او تیم داده نمی‌شود. اما بالای جدول چه خبر است؟ صدر جدول در اختیار مورایس پرتغالی است که قضاوت در مورد عملکرد این مربی پرتغالی شاید زود باشد؛ اگر به قهرمانی‌های آسیا یا جونیو مونتوز و الهلال توجه کنیم و صدرنشینی فعلی او را هم کنار موفقیت فعلی قرار دهیم، مورایس گزینه‌بدی برای تیم ملی نیست و حتی در امتداد کی‌روش می‌تواند

گزینه مطلوبی باشد اما او فعلاً سرمربی سپاهان است و بعید به نظر می‌رسد که مدیران سپاهان با جدایی او در کوران لیگ موافقت کنند این مربی را به تیم ملی بدهد. سال‌ها قبل همین بحث در مورد امیر قلعه‌نویی مطرح بود و سپاهان حاضر نشد قلعه‌نویی را حتی به صورت موقت در اختیار تیم ملی بگذارد و در نتیجه فدراسیون سراغ اسکوپچ رفت. اما از بحث مربیان ایرانی دور نشویم؛ یحیی گل محمدی شاید بهترین و مطلوب‌ترین چهره فوتبال ایران برای هدایت تیم ملی باشد اما او در دو فصل اخیر حواشی بسیاری داشته و پرسپولیس موفق را که برانکو ساخته بود، آنقدر دستخوش تغییرات کرد که قهرمانی‌ها

دو سال اخیر او زیر سؤال برود. بعد از یحیی، نوبت قلعه‌نویی می‌رسد؛ او هم بیش از ۱۰ سال در حسرت قهرمانی به سر می‌برد و در داخل هم منتقدان فراوانی دارد و انتخاب او کم‌حاشیه نیست و جامعه فوتبال روی این گزینه اتفاق نظر ندارد. به جز این دو مربی، شاید در لیگ ایران چهره‌ای پیدا نکنیم که حتی بشود در خصوص‌اش صحبت کرد.

جواد نکونام یا فرهاد مجیدی هم آنقدر صاحب تجربه نیستند که بازیکنان مطرح و پرآوازه تیم ملی را که در اوج پختگی و به سر می‌برند، به دست آنها بسپاریم و خیال‌مان بابت مدیریت تیم آسوده باشد. جواد نکونام امسال نوسان زیادی در فولاد داشته و فرهاد مجیدی هم با روحیات خاص -زودرنج است و آستانه تحمل پایینی دارد- شاید مثل مقطعی که تیم امید را به او سپردند، با فدراسیون به چالش خورده و ناگهان در میانه کار با نیمکت ایران وداع کند؛ اتفاقی که هم در دوره بازی او شاهد بودیم و هم در زمان مربیگری‌اش در استقلال و البته تیم امید. در نهایت و با مرور این گزینه‌ها به این نقطه می‌رسیم که فقر مربیگری در فوتبال ایران بیاد می‌کند. به همین دلیل وقتی با این پرسش مواجه می‌شویم که مربی داخلی یا خارجی، نمی‌توانیم گزینه‌ای پیدا کنیم که اهالی فوتبال پشت او بایستند و همگی از او دفاع کنند. فدراسیون فوتبال در تنگنا قرار گرفته و شاید در هیچ دوره‌ای انتخاب مربی ایرانی به سختی مقطع فعلی نباشد.

طناب پوسیده و چاه پر از تمساح

آیسان سعیدی
روزنامه‌نگار

امیر قلعه‌نویی. تقریباً مهم‌ترین گزینه داخلی برای نشستن روی نیمکت تیم ملی اوست. مردی که سال‌هاست جامی نیاورده و سال‌هاست توفیقی کسب نکرده، که در حد نشستن روی نیمکت تیم ملی باشد. او نامزد شده چون جواد نکونام یا یحیی گل محمدی که گزینه‌های داخلی روی بورس‌تری هستند، فعلاً اجازه نشستن روی نیمکت تیم ملی را ندارند. البته نکونام با نتایج این فصلش، خودش را از فهرست خارج کرد ولی اگر هم این نتایج نبود، باز هم شانس نداشت. یحیی گل محمدی نیز با غلتیدن در ورطه حاشیه و اتفاقات فرامتنی صدرنشینی را از پرسپولیس گرفت و حتی حضورش در پرسپولیس با تردید روبه‌روست. علی‌دایی گزینه مطلوب‌تر و محبوب‌تری است که صد البته او هم اجازه نشستن روی این نیمکت را ندارد! گزینه دیگری داریم؟ بین داخلی‌ها نه! مربی موفق ایرانی که بتواند روی نیمکت تیم ملی بنشیند و مشکل نداشته باشد و نهاد‌های مختلف روی او حساس نباشند، نداریم.

امیر قلعه‌نویی مثل همیشه، مرد همین دوران است. دوران مشکلات. دفعه قبل هم همین‌گونه به تیم ملی آمد. فدراسیون تعلیق بود و او تبدیل شد به سرمربی دوران گذار و بعد از نتیجه‌نگرفتن مقابل کره جنوبی در ضربات پنالتی، سلاخی شد. او حالا احتمالاً آماده است تا همان اشتباه را دوباره تکرار کند. درست عین سیاستمداری که یک بار دیگر برای شرکت در انتخابات نامزد می‌شود و امیدوار است که این بار اوضاع فرق کند. اشتباه می‌کنی برادر! اشتباه... با طناب تاج داخل چاه پر از تمساح نشو! این نیمکت مال توییست.

بی احترامی به مردم

همایون شاهرخی
سرمربی سابق تیم ملی

ایران از تیم ملی خداحافظی نکرد؟ این اتفاقات بی‌حرمتی به مردم و فوتبال ایران است.

باید با مردم صادق بود. انتخاب سرمربی تیم ملی در همه رشته‌ها کاری تخصصی است و کار تخصصی هم آدم‌های متخصص می‌خواهد. این کار باید به کمیته فنی سپرده شود ولی ما یا کمیته فنی نداریم یا اگر هم داشته باشیم، اعضای را تحویل نمی‌گیریم و دیدید که قبل از جام جهانی چه برخوردی با این کمیته شد. دوستان در هیأت رئیسه دور هم جمع می‌شوند و مناقش‌شان فقط یک چیز است؛ بودن در فدراسیون. از این هیأت رئیسه فعلی من که فقط دو یا سه نفر از آنها را می‌شناسم. اعضای هیأت رئیسه معمولاً هر چه رئیس بگوید، چشم می‌گویند و نتیجه‌اش همین می‌شود که امثال کی‌روش از فوتبال ما سوءاستفاده می‌کنند.

اگر الان سرمربی تیم ملی را انتخاب کنیم، چه ایرانی باشد و چه خارجی، بعدها می‌خواهد بگوید یا زمان در اختیار نداشتیم یا اینکه بازی دوستانه نداشتیم و نتوانستیم تیم و بازیکنان را بشناسیم. سرمربی تیم ملی باید بعد از جام جهانی انتخاب می‌شد، ولی هنوز دوستان مشغول کارهای دیگر هستند و سرمربی تیم امید هم انتخاب نشده. نتیجه این همه تعلل و وقت‌کشی ناکامی در آینده است.

وقتی در فوتبال هرج و مرج باشد، اتفاقات عجیبی رخ می‌دهد. فدراسیون فوتبال پس از ناکامی کی‌روش در جام جهانی و شاهکاری که خلق کرد حتی از افکار عمومی هم عذرخواهی نکرد و شهادت نداشت پایان همکاری با کی‌روش را اعلام کند و به اندازه‌ای منفعل بود تا سرانجام کی‌روش به قطر پیوست و شخصاً پایان همکاری‌اش با ایران را اعلام کرد. مدیران فدراسیون فوتبال هیچ وقت از سیاست‌بازی دور نیستند و فکر می‌کنم آنها قصد داشتند تا آخرین لحظه منتظر تصمیم کی‌روش بمانند و از این طرف به‌صورت غیررسمی حرف از انتخاب گزینه ایرانی می‌زدند. این در حالی است که بلافاصله بعد از پایان جام جهانی با توجه به عملکرد کی‌روش در قطر ۲۰۲۲ باید پایان همکاری با وی اعلام می‌شد. عملکرد یک مربی را آمار و رسیدن به موفقیت‌ها نشان می‌دهد و تیم کی‌روش در قطر فاجعه بود. فدراسیون در خیلی از مواقع مقابل تصمیمات کی‌روش واکنشی نشان نداد. ما ۴ گلر که جام جهانی بردیم و با یک بازیکن کمتر راهی این جام شدیم. جالب اینجاست که این مربی بعد از بازگشت تیم ملی به ایران، راهی کاخ سعدآباد شد! واقعاً چرا کی‌روش هنگام ترک

واهمه از گزینه دوم

امیررضا همایون
خبرنگار

مصاحبه مهدی تاج رنگ واقعیت گرفت و بسیاری تصور می‌کردند نیمکت تیم ملی پس از گذشت ۱۲ سال از جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۱ بار دیگر ایرانیزه می‌شود. فضا به اندازه‌ای رادیکال شد که حتی بسیاری از کارشناسان نظر خودشان را درباره احتمال انتخاب مربی ایرانی برای تیم ملی بیان کردند اما ناگهان دوباره بحث حضور مربی خارجی روی نیمکت تیم ملی داغ شده و حتی برخی شایعات تأیید نشده از مذاکره فدراسیون فوتبال با دومینکو تادسکو سرمربی جوانی که به بلژیک رفت، خبر دادند.

این فضای غبارآلود و مبهم و سراسر تناقض یک پرسش کلیدی به اذهان فوتبالیست‌ها ایرانی متبادر می‌کند؛ اینکه چرا مسئولان فوتبال ایران بار دیگر به انتخاب مربی ایرانی پشت کرده‌اند و بار دیگر به سمت گزینه خارجی متمایل شده‌اند؟ این پرسش، پاسخ روشنی دارد؛ اینکه مقامات فوتبال ایران از تکرار اتفاقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی و جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۱ قطر واهمه دارند و به همین خاطر مربیان ایرانی مانند تمام این سال‌ها به‌صورت دوم‌گزینه‌های هدایت تیم ملی تبدیل شده‌اند.

از آخرین بازی تیم ملی در جام جهانی فوتبال قریب به ۳ ماه می‌گذرد. روزهایی که مسئولان فدراسیون فوتبال به مانند بسیاری از تیم‌های ناکام و حذف شده از رقابت‌ها، باید سرمربی جدید خود را برای هدایت تیم ملی در رویدادهای پیش رو انتخاب می‌کردند، اما آنچه در عمل می‌بینیم، انفعال و وقت‌کشی است. این در حالی است که مطالبه افکار عمومی و فوتبالدوستان انتخاب سرمربی جدید برای تیم ملی در جام جهانی بوده، اما فدراسیون فوتبال در واکنش به این مطالبه تنها تعاف را پیشنهاد کرده، تنها سهم تیم ملی از فضای انتخاب سرمربی، بیرون آمدن شایعات و گزینه‌های مختلف و گاه عجیب برای هدایت یوزها بود، شایعاتی که بسیاری از آنها تأیید شد و برخی هم هیچ‌واکنشی از سوی مسئولان فدراسیون فوتبال به همراه نداشت، اما هنوز نه خوانی آمده و نه اتفاقی افتاده و تیم ملی همچنان بدون سرمربی است.

در روزهای اخیر اخباری مبنی بر حضور مربیان ایرانی روی نیمکت تیم ملی منتشر شد. شایعاتی که خیلی زود با

